

کلاس آخر

گزارشی از مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان ورودی مهرماه ۶۸
دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

الگوی درستکاری و «درست» کاری باشند و گروههایی از هم نسلان و همکاران قدیمی‌تر را که اکنون در پیچ و خم‌های مشکلات امروزه به روزمَرگی و فراموشی آرمانها رسیده‌اند متنَبه کنند. خدایا این چنین بدار. قرن‌ها قبل از آقای تافلر، شاعر ایرانی خیام می‌گوید:

«گر بر فلکم دست بُدی چون یزدان

برداشتمی من آن فلک را زمین»

«از نو فلکی دگر چنان ساختمی

کازاده به کام دل بگرد آسان»

* * *

مراسم با سخنان دکتر شفیعی رئیس دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران آغاز شد که عین سخنان ایشان را با هم می‌خوانیم:

«بسم... الرحمن الرحیم ابتدا سلام می‌کنم

آقای الوین تافلر در کتاب جابجایی در قدرت می‌نویسد: «در جهانی که به سرعت از برخورد ارزشها و تکنولوژیهای جدید، روابط ژئوپولتیک جدید، شیوه‌های جدید زندگی و ارتباطات تکوین می‌یابد، به اندیشه‌ها، مقیاسها، طبقه‌بندی‌ها و مفاهیم کاملاً نوینی نیاز مندیم».

در محفلی که قریب به ۸۰ نفر دانشجویان کشورمان با شور و حال زایدالوصفی همه صحبت از آینده می‌کنند و همه به آینده‌ای نو و بهتر فکر می‌کنند، - انسان نمی‌تواند هیجان‌زده نشود و از صمیم قلب آرزو نکند که اینان با عزمی راسخ و با یاری خداوند متعال در حیطة کار و زندگی خود طرحی نو درافکنند، چون کوهی استوار در برابر مشکلات بایستند و برای نسلهای بعد از خود

به حضار. خیلی خوشحال هستم که بالاخره ثمره زحمات اساتید دارد به فارغ‌التحصیلی یکسری از دانشجویان منتهی می‌شود. در حقیقت قبل از اینکه این دانشجویان وارد دانشکده بشوند نمی‌دانم یادشان هست که ما مشکلات عظیم اجتماعی داشتیم و حرفه داروسازی علامت سؤال داشت و آن مشکل کمبود داروساز در مملکت بود و به همین دلیل یک عده غیرداروساز در داروخانه‌ها مشغول به کار بودند و این از نظر حرفه داروسازی واقعاً درست نبود، چون در حقیقت برای اینکه یک خدماتی به بیمار داده شود باید یک همکاری بین یک عده تحصیل کرده وجود داشته باشد که عبارت از یکسری پزشک هستند و داروسازان که به عنوان حلقه اتصال با دارو فعالیت می‌کنند.

اگر دارو صحیح تجویز شود ولی مریض آن را طبق اصول صحیح مصرف نکند، اثر خوبی از آن نمی‌گیرد و نتیجه درمان بی‌فایده است. در آن سالها کسی توجه به این امر نداشت بطوریکه وقتی با یکی از اشخاص مسئول صحبت می‌کردم و لزوم وجود داروساز برای درمان صحیح بیماران را گوشزد می‌کردم به من مثلی می‌گفت «که وقتی چلوکباب برای خوردن نداریم به نان خالی هم می‌سازیم». وقتی شما دکتر داروساز ندارید که در داروخانه خدمت کند بنابراین هرکسی در داروخانه باشد بالاخره بهتر از این است که داروخانه‌ای نباشد یا بسته باشد. این مسئولیت عظیمی بود برعهده دانشکده‌های داروسازی و ما تنها راه چاره آن را دیدیم که به اساتید

زحمت بدهیم و ظرفیت دانشکده را افزایش بدهیم با وجودیکه امکانات هم واقعاً نداشتیم. من درست یادم هست که کلاسهای ما که برای ۸۰ نفر ساخته شده ۲۰۰ نفر باید سر کلاس می‌نشستند. آن کلاس، هم برای استاد و هم برای دانشجو ناراحت کننده بود و واقعاً بازدهی واقعی هم نداشت. اما چاره‌ای نداشتیم زیرا ما احساس می‌کردیم که یک فرد غیرمسئولی در داروخانه قرار گرفته و این فرد باید برود بیرون و یک فرد مسئولی جایش را بگیرد تا ما بتوانیم خدماتی به مردم ارائه دهیم. من فکر می‌کنم ما وظیفه‌مان را بسیار خوب انجام دادیم و با افزایش تعداد دانشکده‌های داروسازی و افزایش ظرفیت، تعداد نیروهای کافی را ما تربیت کردیم.

در آن زمان طبق برنامه‌ریزی که شده بود به ما نیازها را اعلام می‌کردند. وزارت بهداشت به ما اعلام کرد ۵۰۰۰ داروساز کم داریم. در صورتی که از ۱۳۱۸ تا آن زمان (۱۳۶۴) حدود ۵۰۰۰ داروساز داشتیم و ما می‌خواستیم در مدت کوتاهی همین تعداد داروساز تربیت کنیم که کار مشکلی بود. دانشکده‌های پزشکی هم با همین مشکل مواجه بودند. سال گذشته آمار می‌دادند که نیاز نداریم و برای انجام طرح خدمات قانونی فارغ‌التحصیلان حتی جائیکه داروسازان هم نمی‌خواستند بروند و وزارت بهداشت باید معرفی کند، به سختی گیر می‌آید و مدتی باید در نوبت باشند و این نشان دهنده این بود که افزایش تعداد دانشجو باید متوقف شود. از طرف دیگر رکود اقتصادی که در سال ۷۲ در کشور بروز کرد سبب شد که نتوانیم از

فارغ‌التحصیلان به نحو مناسبی استفاده کنیم. به این جهت ما شروع کردیم از سال گذشته ظرفیت را به شدت کم کردیم. امسال ۴۸۰ نفر نیاز سالانه کشور اعلام شد، ما ۳۹۰ نفر تصویب کردیم و خواسته‌ایم در سالهای آینده تعادلی ایجاد شود. صحیح نیست که یک آدم تحصیلکرده وارد اجتماع بشود و شغلی نداشته باشد. به هر حال به نظر می‌رسد که دانشکده‌های داروسازی و اساتید وظیفه‌شان را در این قسمت خوب اجرا کردند.

اما فلسفه اصلی ما چه بود؟ آدم‌های فاقد صلاحیت و بی‌سواد از داروخانه کنار گذاشته شوند و به جای آنها آدم‌های باسواد قرار بگیرند. حالا این آدم‌های باسواد چه کار کنند؟ اگر آدم‌های باسواد قرار است در داروخانه همان کار آدم‌های بی‌سواد را بکنند که فرقی

حاصل نشده است. یعنی اگر قرار باشد که یک داروسازی کارش این باشد که نسخه را بدهد به مریض، پول را بگیرد و آخر روز فکر کند که درآمد امروز و این ماه چه قدر شد؟ بعد خودش را با یک قصاب و بقال و لوله‌کش و آهنگر مقایسه کند بعد فکر کند که درآمد او بیشتر نیست. اگر واقعاً مسئله این باشد، تمام زحماتی که واقعاً دانشکده‌ها و اساتید کشیده‌اند به فنا می‌رود. من یادم نمی‌آید که هیچ سالی سرکلاس بروم و مدتی فلسفه درس دادن و دانشگاه و را توضیح نداده باشم. ما نیامده‌ایم که یکسری محفوظات صرف را تعلیم بدهیم. هدف این است که یک عده دانشجو ضمن اینکه عالم می‌شوند انسان هم باید باشند. به نظر من اول باید انسان بشود و بعد عالم بشود. اگر عالم بشود و انسان نباشد بسیار خطرناک



است و اصلاً به درد نمی‌خورد. کسبی که از دانشگاه بیرون می‌آید باید هم به فکر دنیا و هم به فکر آخرتش باشد. همینطور که من در این چند سال پیرتر شده‌ام، شما هم در این چندسال خیلی فرق کرده‌اید و به قول معروف چشم هم بگذارید در سن ما هستید و یک روز احساس می‌کنید که واقعاً رفتنی هستید. باید ببینید که واقعاً چه توشه‌ای دارید می‌برید؟ از شما نمی‌پرسند چقدر دارایی داشتید؟ اما از شما می‌پرسند که چه خدمتی به مردم کرده‌اید؟ چه اصول انسانی را در دنیا رعایت کردی؟ ما در این جشن فارغ‌التحصیلی باید امیدوار باشیم که یکسری انسان تربیت کرده‌ایم که این انسانها باعث افتخار دانشگاه ما می‌شوند. یعنی هروقت به داروخانه این فرد سری بزنیم ببینیم این داروساز نقش خود را ایفا می‌کند. به بیماری کمک می‌کند تا دردش درمان شود. احساسش این باشد که امروز سه نفر آدمی را که به من محتاج بودند من نجات دادم. این لذت دارد. خدا ساهد است اگر میلیون‌ها تومان به آدم بدهند فایده ندارد. اما اگر مریضی را که به پزشک مراجعه کرده، داروها را درست تحویلش بدهیم، به او بگوییم چه کار بکند تا دارو را درست بخورد تا اثر درمانی برایش داشته باشد. اگر این کار را بکند واقعاً رسالتش را انجام داده است. این بود که شما از من خواستید که صحبت بکنم، این آخرین صحبت من است چون دیگر با شما کلاس ندارم این **آخرین کلاس** من با شما است. خواستم اینها را همیشه به یاد داشته باشید و بعد از مُردنم همیشه دعای خیری برای من بکنید. آن

چیزی که من از دانشجویان می‌خواهم این است که فراموش نکنند اساتیدشان چه چیزهایی به آنها یاد داده‌اند، فقط علم تنها نیست. از شما خواهش دارم وقتی وارد کار شدید به دیگران نگاه نکنید، در غیر این صورت رسالت خود را از دست داده‌اید. به اجتماع نگاه نکنید، به شخصیت خودتان نگاه کنید. خودتان اگر خوب بودید، حتماً اجتماع هم درست می‌شود. اگر همین شما ۸۰ نفر درست کار کنید، اگر درست به مردم خدمت کنید به بهبود جامعه کمک کرده‌ایم روزی را هم خدا می‌رساند. شما فعالیت بکنید از راه حلال روزی را خدا می‌رساند. انشاء... امیدوارم همه زندگی خوب و سعادت‌مندی داشته باشید و خدمتگزار این مردم باشید».

سخنران بعدی دکتر باستان حق رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران بود.

دکتر باستان حق ضمن خیرمقدم به فارغ‌التحصیلان، اساتید و خانواده فارغ‌التحصیلان تبریک گفت و ابراز امیدواری کرد که این فارغ‌التحصیلی آغاز مرحله دیگری از موفقیت‌های آنها باشد.

وی در قسمت دیگری از صحبت‌های خود ضمن استقبال و ابراز خشنودی از تعداد زیاد داوطلبان دوره‌های دستیاری دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران افزود: «۹ سال قبل اعضای هیئت علمی دانشکده داروسازی ۲۳ نفر بودند، با تلاش بسیار تمام گروههای آموزشی با اعزام گروهی از دانشجویان به خارج کشور و تربیت گروهی



وضع شد و ادامه داد: «شما نسل جدید می‌توانید به عنوان انسانهای والا تحولی ایجاد کنید و این مملکت را به درجات عالی ترقی دهید». «کاری کنیم روزی که می‌میریم همه بگویند خدا بیامرزدهش، خوب آدمی بود و سرمان پیش خدا بالا باشد».

در ادامه مراسم شعری زیبا در رثای مرحوم دکتر قنبرپور که زمانی دانشجویان ورودی مهر ۶۸ از کلاس ایشان استفاده می‌کردند توسط آقای پورحیدر قرائت شد که بسیار مورد توجه حضار قرار گرفت. مطلع این شعر چنین بود:

«بیایید، بیایید
که جان دل ما رفت».

سپس دانشجویان ضمن تشکر از همه

دیگر در داخل کشور، هم اکنون با ۴۹ دستیار که در کنار اساتید خوب و با سابقه و علاقمند قرار دارند یک دانشکده خوب و از نظر آموزشی غنی داریم که سرآمد تمام دانشکده‌های داروسازی مملکت است».

دکتر باستان حق در قسمت دیگری از سخنان خود ضمن آرزوی این که «انشاء... در کنار کسب علم، تقوی کافی کسب کرده باشید» گفت ۸۰ نفر انسان وارسته می‌توانند ۸۰ نقطه داروسازی کشور را متحول و اصلاح کنند، وی افزود: «متاسفم که اعلام کنم که ۵۰٪ نیروهای ما صرف پیدا کردن و رسیدگی به خلاف‌ها و اشکال‌هایی است که در حوزه کار ما قرار دارد». و سپس ضمن ارائه نمونه‌هایی از ارتکاب این همه خلاف خواستار بهبود این

اساتید و مدرسینی که برایشان زحمت کشیده‌اند، به اساتید زیر به عنوان اساتید برگزیده لوح تقدیری تقدیم کردند:

۱- دکتر شفیعی ۲- دکتر فرسام ۳- دکتر کمال ۴- دکتر تاجرزاده ۵- دکتر شریعت‌پناهی و همچنین اساتیدی که حضور نداشتند: دکتر کاظمی‌فرد، دکتر رفیعی، دکتر خلیج، دکتر صالحی و مهندس امین.

قسمت بعدی تریبون آزاد بود. در این قسمت آقای ترحمی نماینده ورودی مهرماه ۶۸ ضمن تشکر از حضور اساتید و خانواده‌های دانشجویان در مورد فلسفه‌برپایی اولین مراسم جشن فارغ‌التحصیلی در دانشکده داروسازی توسط ورودی نوبت اول سال ۶۸ گفت: «ما خواستیم پیشقدم شویم و البته مشکلاتی هم داشتیم. امیدوارم که ورودیهای بعد از ما هم این کار را ادامه بدهند. تجربه نشان داده است که فارغ‌التحصیلان داروسازی بعد از اتمام درس هرکدام به دنبال کار خود می‌روند و از هم دور می‌افتند. ما می‌خواهیم بعد از مدتی این دوستان مجدداً دور هم جمع شوند».

وی ضمن انتقاد از عدم اتحاد و بی‌حرکی انجمن داروسازان با پیشنهاد برپایی یک «مجمع فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های داروسازی» خواستار کمک و هم‌فکری اساتید دانشکده و ارگانهایی مثل جهاد دانشگاهی شد و در انتها از کارمندان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکر کرد.

آقای محمدخواه یکی دیگر از دانشجویان با قرائت دو شعر زیبا از فخرالدین محمدعراقی و شهریار به تریبون آزاد خاتمه داد. سپس

دانشجویان از مسئول آموزش دانشکده داروسازی و همچنین کتابخانه دانشکده تقدیر کردند و لوح یادبودی به خانم قادری‌نژاد مسئول کتابخانه اهدا کردند.

مهندس اصفیا سرپرست امور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز طی سخنانی ضمن تبریک به دانشجویان و خانواده‌های آنان آروزی موفقیت در کلیه شئون تحصیلی، علمی و اجتماعی برای آنان نمود.

«اول شدن و بهتر شدن»

قبلاً با بررسی کارنامه‌های تحصیلی دانشجویان، اسامی ۳ نفر که بالاترین معدل را به خود اختصاص داده بودند استخراج شده بود. در این مراسم ضمن قرائت نام این ۳ نفر به نفر اول جایزه‌ای هم اهدا شد.

این ۳ نفر به ترتیب عبارتند از:

۱- خانم مرجان حسینی روزبهانی

با معدل کل ۱۸/۵۰

۲- خانم همیرا زاهدی

با معدل کل ۱۸/۲۰

۳- خانم کتایون مرتضی سمنانی

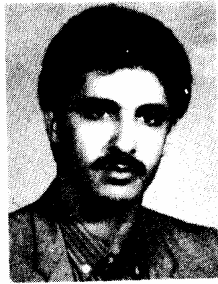
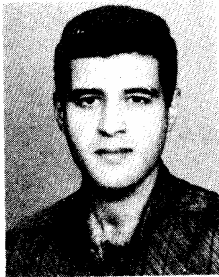
با معدل کل ۱۷/۹۰

خانم حسینی روزبهانی ضمن دریافت



جایزه بهترین دانشجو از نظر علمی در گفتار کوتاهی به نقل جمله‌ای که از دوران دبیرستان توجه ایشان را جلب کرده است پرداخت و گفت: «زندگی اول شدن نیست، زندگی بهتر شدن است».

سپس دانشجویان حاضر در جلسه از میان خود ۲ نفر را که هر دو زمانی نماینده دانشجویان بوده‌اند به عنوان بهترین دوستان خود برگزیدند: ۱- مجید زجاجی ۲- پیمان ترحمی پس از اهداء لوح یادبودی به نام دانشکده داروسازی به تمام دانشجویان، مراسم ادای سوگند به صورت دسته جمعی به همراه دکتر شفیع‌ی برگزار شد و قرار شد همه آنها ساعت ۵ بعدازظهر روز ۵ شهریور ۷۴ در دانشکده داروسازی مجدداً جلسه‌ای تشکیل دهند.



«میارا بزم در ساحل که آنجا
نوای زندگانی نرم خیز است
به دریا غلط و با موجش درآویز
حیات جاودان اندر ستیز است

